



www.jamejamdaily.ir

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹ | ۱۶ ذی الحجه ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۷۲۵ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday - August 6, 2020

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران



جام جم در گفت و گو با تحلیلگران منطقه، ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی حادثه بندر بیروت را بررسی می‌کند

سناریوهای احتمالی انفجار بیروت

۸ و ۲



پرونده کوچک جام جم به مناسبت عید سعید غدیر خم
پیشکش به محضر امیرالمومنین

دل نا شاد ما را شاد گردان

تلنگر

بلقیس، وقت چای عراقی معطر است

تقریباً در همه جای دنیا بعد از این که وقایع تلخ اتفاق می‌افتند بر احساسات انسان‌های معاصرشان خال می‌اندازند، جاهای مختلفی را برای جریان داشتن انتخاب می‌کنند. مثل یک سیل که ناگهان آمده و خراب کرده و رفته باشد چند شاخه می‌شوند و به دست آیندگان می‌رسند. یک شاخه می‌رود در سطرهای کتاب‌های تاریخ، یک شاخه می‌رود در سینه مردمی که بعد هاب‌ای نوه‌هایشان آن خاطره تلخ را بازگو کنند تا آنها هم به گوش فرزندان‌شان برسند و یک شاخه‌اش می‌رود در سینه‌های سوخته شاعران و نویسندگان تا بعد با جوهر جاری شوند روی کاغذها و بعد تر خواننده‌ای در گوشه‌ای از دنیا آن را بخواند و چیزی درونش آه بکشد. حالا در این گوشه دنیا که ما زندگی می‌کنیم و معمولا کتاب‌های شعرمان قطورتر از کتاب‌های تاریخ مان‌اند، قصه جور دیگری رقم می‌خورد و آن شاخه‌ای از سیل که به ادبیات می‌ریزد عریض تر و پربارتر است. شعر و ادبیات کرانه عربی مدیترانه و منطقه شامات را که ورق بزنیم به آثاری برمی‌خوریم که بوی خون و خاکستر را هنوز با خود دارند. از پیش از جنگ‌های صلیبی تا همین چند دهه گذشته که فلسطین درگیر جنگ با متجاوزان صهیونیستی بود و سوریه درگیر جنگ با سلفی‌ها بود و لبنان دستخوش جنگ داخلی و جنگ با رژیم صهیونیستی و... همه این وقایع و از دست دادن عزیزان، داغی شده‌اند بر سینه شاعر و نویسنده و بعد جاری شده‌اند در کتاب‌ها که صدای انفجار در این منطقه برای کسی که در خانه نشسته و عزیزش آن بیرون است یعنی خشک شدن گلو و سرخ شدن رگ چشم‌ها و دلشوره‌ای که به جان‌ش می‌نشینند. حالا اگر بعد از چند دقیقه تماس و جواب نگرفتن و پرس و جو باز بی‌پاسخ ماندن، ناگهان با جنازه‌ای در کاور پلیس مواجه شود... حدود ۴ سال پیش انفجاری در سفارت عراق در بیروت اتفاق افتاد و عده زیادی جان خود را از دست دادند و در بیروت بسیاری بعد از شنیدن صدای انفجار گلویشان خشک شد و چشمان‌شان سرخ... یکی از آنها که در خانه دلشوره گرفت نزار قبانی، شاعر سرشناس سوری بود که همسرش بلقیس بیرون خانه بود. بعد که جنازه بلقیس را در کاور پلیس تحویل گرفت و بعد تر که در خلوت خودش این واقعه راگریست، شعری سرود با عنوان قصیده بلقیس که هنوز هم که هنوز است از محبوب‌ترین شعرهای عاشقانه جهان است و خوانندگان شعر در سراسر جهان نمی‌دانند بیکای یک شعر عاشقانه با جان معشوق و داغ عاشق پرداخته شده است. حالا با صدای انفجار شیشه‌های خانه‌ها را در بیروت لرزانده و عده زیادی هنوز پیکر عزیزان‌شان را هم نیافته‌اند. لابد چند سال بعد خوانندگان ادبیات در دنیا یک داستان یا شعر زیبا را از نویسنده و شاعر لبنانی خواهند خواند و حظ خواهند برد و خواهند دانست که بهای این اثر ادبی با چه چیزی پرداخته شده است.]



علیرضا رافقی

روزنامه‌نگار

دیدگاه

جایگزینی برای گفتمان حقوق بشر آمریکایی

در جهان کنونی، گفتمان‌های متعددی از حقوق بشر وجود دارد. سالگرد امضای فرمان مشروطیت، فرصتی است تا گفتمان حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که قرن‌ها در تکوین حقوق بشر نقش سترگی داشته و گفتمان‌های ناکارآمد نظیر حقوق بشر غربی که داعیه‌دار آن ایالات متحده آمریکا است، مورد واگویی قرار گیرد. بدون تردید، بحران اخیر در غرب و آمریکا، مبین ناکارآمدی حقوق بشر غربی است. این نقض فاحش و گسترده حقوق بشر، نه فقط توسط ترامپ بلکه نشانگر راهبرد کلان دولت آمریکا در نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر، چه دمکرات و چه جمهور ریخواه، در عرصه داخلی و خارجی است. مردم دنیا در کوبا، ایران، عراق، افغانستان، نیکاراگوئه و... و همین‌طور ساکنان ایالات متحده قربانیان حقوق بشر آمریکایی هستند. این عملکرد سراسر ناقض قواعد و هنجارهای بین‌المللی ریشه در ماهیت حقوق بشر آمریکایی دارد. مهم‌ترین مشکل این گفتمان، ابتنای آن بر اومانیسم و فردگرایی و تقابل خدامحوری، انسان‌محوری است. اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸ بر محوریت تفکرات غربی تدوین شده و همه چیز را حول محور انسان دیده است. در نتیجه مبانی نظری خاصی، همچون خردباوری علمی، فردگرایی، حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی را بنا نهاده است. فردگرایی و نفی هرگونه اصل عالی و برتر از فردیت و محدود کردن تمدن در جمیع شؤون به عواملی که جنبه انسانی صرف دارند و قلمداد کردن فرد انسان به عنوان موضوع ارزش‌ها و تأکید بر حقوق طبیعی و دانستن قرارداد اجتماعی به عنوان تنها منبع حق، از نتایج این تفکر است. بحران کنونی آمریکا، نتیجه نهادهی نقض هنجارهای کرامت و حیثیت انسانی در قرارداد اجتماعی ایالات متحده است. باید تأکید کرد این ساختار شکنی است (دشمنی‌نژادی) - و نه کاپیتالیسم - که به آمریکایی‌ها اجازه می‌دهد ثروت آفرینی در جواری محرومیت کلان را ستایش کنند، محرومیتی که مایه شرمساری هر کشور پیشرفته‌ای است. دشمنی نژادی و محاصره مردم رنگین پوست که در قرارداد اجتماعی آمریکا لحاظ شده بود، سرانجام دامن دولت طرفدار گفتمان آمریکایی حقوق بشر و سفیدپوست را گرفت. آیا آمریکایی می‌تواند خود را از این ویران‌شهر (Dystopia) اجتماعی و دشمنی‌های نژادی که متأثر از نگاه انسان محور تمدن غربی و لیبرالیسم است، برهانند؟ در عرصه بین‌المللی نیز دولت آمریکایی چند دهه معاصر جنایتی نبوده که مرتکب نشده باشد، از بمباران‌های سیوعانه و نسل‌کشی در جنگ جهانی دوم، استفاده از بمب اتمی در ژاپن تا گوانتانامو، ابوغریب، حمله به هواپیماهای مسافربری ایرانی، حمایت از گروهک منافقین و... دولت آمریکا مسؤولیت بین‌المللی دارد در نقض قواعد متعدد حقوقی، حمایت از رژیم‌های جنایتکار منطقه، مشارکت در قتل عام در یمن و پامپال شدن حقوق فلسطینی‌ها توسط رژیم صهیونیست و صدها مورد دیگر در عرصه بین‌الملل که قلم قاصر از احصای آنهاست. اما آیا این گفتمان ناکارآمد حقوق بشر آمریکایی که در عرصه داخلی و جهانی ویران‌شهری بر جای نهاده را جایگزینی هست؟ بدون تردید پاسخ به این سوال را باید در تغییر اقبال از گفتمان حقوق بشر غربی به حقوق بشر اسلامی که رویکرد خدامحوری دارد، جست‌وجو کرد. می‌توان به جامعه جهانی گفتمان کرامت انسانی و نیز عدالت به عنوان مفهومی اساسی در جامعه اسلامی را ابزارهای مطلوب عرضه کرد. همه وجدان‌های بیدار، پذیرای این هستند که عدالت معیار حق و باطل است و اگر شاخص عدالت وجود نداشت حقانیت و مشروعیات هر نهادی محل تأمل دارد. تبیین گفتمان خدامحوری ضمن بازگرداندن کرامت و شایستگی انسانی به وی، در جامعه جهانی که خسته از لیبرالیسم و اومانیسم مشتاق شنیدن صداهای تازه‌ای است، می‌تواند با آشنا شدن با راهبردهای کلان ایرانی - اسلامی برای تمدن‌سازی و عدالت حداکثری، عرضه جامعه‌ای تحت حکومت عقلانیت و معنویت، جامعه‌ای بدون ظلم، منجر به دگرگونی سرنوشت جوامع بشری، به خصوص در دوران حاضر که انسانیت با آزمایش ویروس کرونا مبتلاست، شود.]



دکتر علی فهیم‌دانش

کارشناس رسانه و حقوق بین‌الملل

نگاه

غدیر و پویش‌هایی انسان‌ساز

آحاد جامعه ایران همواره نشان داده‌اند -در قبال یکدیگر از مسؤولیت‌پذیری مناسبی برخوردار هستند. اما اگر سیر تاریخی نمودهای بروز فرهنگ یاری‌رسانی به هم‌نوعان را در جامعه ایران را بررسی کنیم، خواهیم دید تغییرات ملموسی در این فرهنگ در سال‌های گذشته رخ داده است. مثلاً پیش از این معمولاً شهروندان به صورت شخصی از افراد نیازمند حمایت می‌کردند، اما امروزه بیشتر این حمایت‌ها از طریق سازمان‌های حمایتی یا خیریه‌های غیردولتی انجام می‌شود. از سوی دیگر، امروزه فراهم بودن بستر استفاده از فضای مجازی و فناوری‌های نوین باعث شده است پویش‌های اجتماعی به دلیل سرعت بالایی که در انتقال پیام و کمک‌های مردمی دارند، جایگاه خاصی را میان مردم پیدا کنند. همچنین در شرایطی که شیوع ویروس کرونا مشکلات اقتصادی زیادی را برای بیشتر هموطنان ما ایجاد کرده و حتی روی روند عادی مشارکت اجتماعی مردم نیز تأثیر منفی گذاشته است، برپایی این پویش‌ها می‌تواند فرصت مناسبی برای مرور مسؤولیت‌های شهروندی هر یک از ما در قبال یکدیگر باشد. از جمله این مسؤولیت‌ها نیز لزوم حمایت از افرادی است که نیازمند توجه هرچه بیشتر دیگر شهروندان هستند. کسانی مثل اقشار فرودست، بیماران خاص، یتیمان، کودکان کار، زنان سرپرست خانوار، بی‌خانمان‌ها، خانواده‌های زندانیان و همه افرادی که اگر به آنها توجه نشود، روزگارشان از آنچه هست، بدتر خواهد شد. حال در شرایط امروز جامعه ما، برخی از پویش‌های اجتماعی مانند حرکت‌هایی که در این روزهای نزدیک به عید غدیر در سطح کشور شکل گرفته است، به صورت مناسبی انجام می‌شود و همین مسأله می‌تواند به رونق بیشتر آنها کمک کند. زیرا به طور مثال، عید غدیر یادآور نام حضرت امیر (ع) است و همه مردم ایشان را با دستگیری از محرومان و ایتمام می‌شناسند و قطعاً یاد و نام امام علی (ع) می‌تواند به نوعی حضور هرچه بیشتر مردم در پویش‌های اجتماعی کمک کند. در مجموع، این مناسبت‌ها می‌تواند بهانه‌ای برای مشارکت بیشتر مردم و یادآوری این نکته باشد که ما در قبال افرادی که در جامعه کنار ما قرار گرفته‌اند، مسؤولیت داریم و نباید نسبت به آنها بی تفاوت باشیم. بنابراین پویش‌هایی از این دست، ضمن این که می‌تواند تسکینی برای دردهای معیشتی نیازمندان باشد و بخشی از مشکلات آنها را برطرف کند، نوعی همبستگی اجتماعی نیز میان شهروندان ایجاد می‌کند. پس باید این پویش‌ها را به‌فالش نیک گرفت و فراموش نکرد که انسان بودن مستلزم مشارکت در کارهای خیر و عام‌المنفعه و توجه به دیگران است.]



دکتر حسن موسوی چلک

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یادداشت

گمانه‌زنی درباره یک فاجعه

انفجار مهیبی که دیروز نیمی از بیروت را ویران و تعداد زیادی از مردم را آواره کرد و خسارات جانی و مالی گسترده‌ای را به بار آورد، دارای دو بعد انسانی و امنیتی است. در بعد انسانی، فاجعه‌ای رخ داد و باید با بررسی‌ها مشخص شود که مقصر این حادثه چه کسانی بودند. در بعد امنیتی باید در نظر گرفت که بیش از ۲۷ هزار تن نیرت‌ات آمونوم در محل انفجار وجود داشت. سال ۲۰۱۳ این محموله از گرجستان با یک آدرس جعلی حرکت می‌کند، ولی با ادعای مشکل فنی در بندر طرابلس پهلوی می‌گیرد. بعد از بازرسی پلیس معلوم می‌شود مقدار زیادی مواد منفجره خطرناک در این کشتی وجود دارد. سرشناسان کشتی بازداشت و این مواد در بندر طرابلس تخلیه و کشتی توقیف می‌شود. قاضی پرونده تلاش می‌کند با بازپرسی از افراد و خدمه کشتی اطلاعات تکمیلی درباره این محموله را به دست بیاورد ولی بازگیران خارجی، مقامات لبنانی را تحت فشار قرار می‌دهند و همین مسأله باعث آزادی خدمه کشتی می‌شود. مواد انفجاری هم به بیروت منتقل می‌شود تا درباره آن تعیین تکلیف شود. اما نکته حائز اهمیت این که در مقاطع ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ چه اتفاقات مهمی رخ داده است. سال ۲۰۱۳ زمانی که تروریست‌ها در سوریه به اوج فعالیت خود رسیدند و دنبال مسیرهایی بودند تا ویرانی و تروریسم و کشتاری که در سوریه به راه انداختند را به نتیجه برسانند. از این جهت راه‌های آبی را مورد توجه قرار دادند و آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها هم در این زمینه نقش آفرینی می‌کردند. همچنین در آن مقطع جریان ۱۴ مارس با کمک سعد حریری و وهابی‌ها و سعودی‌ها دنبال این بودند مسیر شمال لبنان و طرابلس را در اختیار جریان‌های مخالف سوریه و تروریست‌ها قرار دهند. به دنبال استقرار حزب... در مرز لبنان و سوریه این پروژه به شکست انجامید. از سوی دیگر می‌توان دریافت این محموله مواد منفجره قرار بود به دست تروریست‌ها در سوریه برسد، ولی این امکان منتفی شد. این محموله در اختیار دولت قرار نمی‌دهد، بنابراین این ادعای مضحکی است. سناریوی دیگر، خطرناک بودن وجود این محموله هشدار داده بود. باین وصف این اتفاق خطرناک رخ داد. این که چطور این فاجعه رخ داده محل سؤال است. البته رسانه‌های سعودی و اسرائیلی و سمیر جعجع - که عامل وابسته به اسرائیلی‌هاست - این انبار را متعلق به حزب... و مواد موجود در آن را مهمات حزب... عنوان کردند. در حالی که برای لبنانی‌ها مسلم است بندر در اختیار دولت بوده و اگر فرض کنیم حزب... دارای انبارهای موشکی مشخصی روی زمین است، طبیعی است که آن را در اختیار دولت قرار نمی‌دهد، بنابراین این ادعای مضحکی است. سناریوی دیگر، حمله موشکی اسرائیل به این انبار است که البته هیچ دلیل واقعی برای آن وجود ندارد، چون دوربین‌های موجود اصابت موشک را تأیید نکردند. مطلب بعدی این که نیرت‌ات سدیم ماده‌ای است که اگر گرم شود و تعریق کند، می‌تواند خود به خود منفجر شود. اتصال برق، جوشکاری، آتش‌سوزی انبار مواد ترقه و فشفشه از دیگر احتمالاتی است که برای این حادثه به‌ویژه در انفجار اولی که صورت گرفت مطرح است. منتهی باتوجه به سابقه جنایتکارانه‌ای که آمریکا در سوریه و لبنان و منطقه دارد و از آنها بر می‌آید که چنین اقداماتی انجام دهند بنابراین محتمل است یکی از این سناریوها یا تدبیر آمریکایی یا اسرائیلی طراحی شده باشد. از بعد انسانی و صرف‌نظر از همه احتمالات مطرح شده درباره این فاجعه، به هر حال لبنان در حال حاضر دچار آسیب جانی و مالی فراوان شده و باید با این کشور اعلام همبستگی کرد.]



هادی محمدی

کارشناس منطقه



ویژه‌نامه
شهرستان
فیروزکوه

نگاهی ویژه

فیروزکوه